

آزادی

از آزادی و رهایی به گستره یک تاریخ دور مانده ایم!



فرید سیاوش

آزادی:

آزادی از لحاظ فلسفی پدیده‌ای اندرونی و ذهنی است. یعنی مستقلانه فکر کردن و تصمیم گرفتن، آگاه شدن و یا بخود آگاهی رسیدن است، آزادشدن از خرافات و دگم‌ها و جزم‌ها و آن افکار و باورهایست که مانع پیشرفت و تغییر و تکامل فرد و جامعه میشوند. تا زمانیکه دیگران بجای ما فکر میکنند و تصمیم میگیرند ما آزاد نیستیم. کار را باید از آزادی خود از سنت و قالب‌های فکری که کمتر بدرد مشکل امروز ما میخورند، آغاز کنیم. اینک دیروز به کی و به چی باور داشتیم و فکر ما در دیروز چه بود کاملاً به گذشته تعلق دارند. بروز باید شد بر اساس شرایط و خرد امروزی به آراستن ذهن و فکری خود پرداخت. تابو شکنی باید کرد. آزادی به مثابه یک امر نسبی، در حقیقت داشتن امکان و قدرت است برای عملی کردن تصمیم‌هایی است که فرد یا جامعه به میل یا اراده خود با در نظر داشت قوانین و قرار داد‌های اجتماعی، می‌گیرد. انسان به مثابه موجود اجتماعی که در رابطه با سایر انسانها در اجتماع زندگی میکند؛ نمی‌تواند آزادی مطلق داشته باشد؛ قوانین و قرارداد‌های اجتماعی آزادی‌های او را بگونه‌ای محدود میکنند.

رهايي:

رهايي پدیده‌ای بیرون فکری و بیرون ذهنی است، رهایی از سیطره اجنبی، رهایی از بند و زندان، رهایی از بدبختی، فساد، رهایی از تبعیض و تعصب، ظلم و ستم و رهایی از فقر.... ما همواره آزادی و رهایی را برای دیگران خواسته ایم نه برای خود؛ به همین سبب ما تا هنوز خود به آزادی و رهایی نرسیده ایم و به این زودی‌ها هم نخواهیم رسید.



آدم‌ها عاقبت خواهند فهمید

که اشتباهات برای آموختن است

نه تکرار کردن!